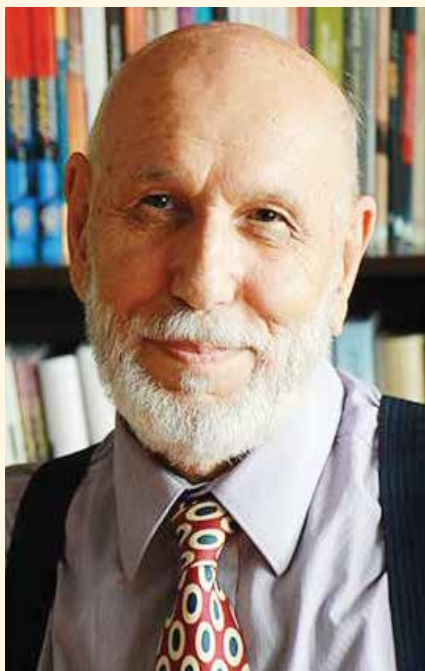


فرهنگ رجایی (متولد ۱۳۳۱ شمسی)، اندیشمند، پژوهشگر علوم سیاسی، استاد تمام گروه فلسفه سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه کارلتون و رئیس دانشکده علوم انسانی این دانشگاه است. کتاب زندگی فضیلت‌مند در عصر سکولار چارلز تیلور از جمله کتاب‌هایی است که او به فارسی برگردانده است.



**نسل جوان که از ایران خارج می‌شود نه تنها با اسلام، بلکه با هرگونه روایت مذهبی مشکل دارد و حتی می‌توان گفت این خصومت بادین، میان غربی‌ها نیز امری غریب است. عصر سکولار می‌تواند درمان خوبی برای این تقابل خصومت‌آمیز با دین باشد.**

تنها با نسخه اسلام سیاسی مواجه بوده و اکنون فرصت آشنایی با سایر ابعاد اسلام را به دست آورده است.

پاک‌نژاد میان این تجربه شخصی خود و تجربه‌ای که چارلز تیلور پشت سر گذاشته است، قرابت می‌بیند. تیلور خود می‌گوید زمانی که در کلاس‌های درس پروفیسور ویلفرید کنتول اسمیث<sup>۶</sup> بنیان‌گذار بخش اسلام‌شناسی دانشگاه مک‌گیل شرکت می‌کرد درک بهتری از غنای ادبیات اسلامی پیدا کرد و دیدگاه او به اسلام از عمق بیشتری برخوردار شد. از این رووی از مدافعان جدی حقوق اقلیت‌های مذهبی کانادا از جمله مسلمانان بوده و بارها از حق مسلمانان برای استفاده از حجاب در عرصه عمومی دفاع کرده است. این در حالی است که مشاهده می‌کنیم نسل جوان که از ایران خارج می‌شود نه تنها با اسلام، بلکه با هرگونه روایت مذهبی مشکل دارد و حتی می‌توان گفت این خصومت بادین، میان غربی‌ها نیز امری غریب است. اینجاست که با نقد دین، که با نوعی خصومت و دشمنی ناسالم سروکار داریم، عصر سکولار می‌تواند درمان خوبی برای این تقابل خصومت‌آمیز بادین باشد. انسان‌ها فطرتاً گاهی نیاز به

است. سومین دلیل برای مهم دانستن اندیشه وی، مربوط به این است که وی یک فیلسوف برج عاج‌نشین نیست. وی نه تنها به مقولات ابدی بشری می‌اندیشد و در پی آن است که کلاف پیچیده و غامض جمع‌کردن جنبه‌های کاملاً دنیایی انسان را با جنبه‌های الهی و ابدی بسط دهد، بلکه به دنبال یافتن پاسخ عملی به پرسش ابدی است که همانا «خیرترین» است.

+

#### دیدگاه علیرضا پاک‌نژاد<sup>۵</sup>

علیرضا پاک‌نژاد در گفتگویی که با او داشتم خود را از جمله کسانی می‌دانست که از ایران فرار کرد، نه به دلایل سیاسی، بلکه به دلیل مواجه شدن با قرائتی از دین که با تجربه سابق او و سبک زندگی اش اختلاف داشت و آن را به رسمیت نمی‌شناخت. زمانی که ایران را ترک کرد تصور می‌کرد با دین به‌طور کلی، و با اسلام به‌طور خاص خصومت دارد؛ اما بعد از مدتی شروع به خواندن‌های بسیار کرد و اکنون می‌اندیشد که غربی‌ها او را با اسلام آشتی دادند؛ چراکه پیش از مهاجرت

«انسان حضور» یا به تعبیر رایج تر کناکنش میان سنت و تجدد به آرای وی توجه کرده‌ام. از سوی دیگر حرف حساب و بصیرت وی در این زمینه کاملاً به درستی این است که تنها از طریق فهم منطق درونی کناکنش و بحث آزادانه شفاف در آن زمینه می‌توان به پاسخ مناسب و کارساز رسید. به‌زعم وی، تصور وجود پاسخی از قبل، در نزد طرفداران اندیشه تجدد یا در نزد کسانی که به اصالت سنت ابرام می‌ورزند، به نوعی خامی یا حتی به منزله انکار مسئله است. در نگرش خدایان یا خداحضور، «محق دانستن خود»، کفر؛ و در نگرش انسان حضور، خودمداری است. اقرار و اعتقاد به «حق و حقیقت» یک چیز است در حالی که باور داشتن به اینکه حق و حقیقت را به‌چنگ آورده‌ایم موضع خطرناکی است که پیامد آن نابودی آزادی و بروز سرکوب است.

دومین دلیل انتخاب گفت‌وگو با تیلور این است که وی زندگی آدمی را محدود به جهان مادی نمی‌داند. نقد اصلی به غرب امروز همین کم‌توجهی جدی به جهان ملکوتی است و چارلز تیلور در پی برقراری تعادل میان ملک و ملکوت